

<https://www.aftabekherad.ir>

Religious Spirituality, Secular Spirituality Distinctions and Functions

Vahid Kangrani Farahani

Graduate of Qom Seminary and Master's student in Applied
Ethics

Received: 2017/08/08

Accepted: 2017/09/14

Abstract

Secularism, as one of the fundamental ideas of Western civilization, has spread to spirituality and spiritual movements today, and a large part of spiritual movements and new mysticisms are being presented in a secularist atmosphere. Today, with the semantic and epistemological separation of spirituality from religion, types of spirituality are expanding that contribute to the secularization project of spirituality with characteristics such as humanism, individualism, perception of this world, and living in the present. Although religious spirituality is one of the deep-rooted spiritual movements in the country, secular spiritualities have been promoted over the past few years through the translation of works and domestic examples that have differences and similarities with religious spirituality. Although each of these spiritualities has different types and practices, there are some common points among these spiritualities that are common to many of them.

Keywords: Secular spirituality, religious spirituality, eclectic spirituality, semanticism

معنویت دینی، معنویت سکولار؛ تمایزات و کارکردها

وحید کنگرانی فراهانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۷

چکیده

سکولاریزم به عنوان یکی از انگاره های بنیادین تمدن غرب، امروزه به سوی معنویت و جنبش های معنوی نیز سرایت کرده و بخش زیادی از جنبش های معنوی و عرفان های جدید در فضایی سکولاریستی در حال ارائه می باشد. امروزه با تفکیک معنایی و مصداقی معنویت از دین، گونه هایی از معنویت در حال گسترش است که با شاخصه هایی همچون انسان گرایی، فردگرایی، تلقی این جهانی و اکنونی زیستن به پروژه سکولاریزاسیون معنویت کمک می کنند. گرچه معنویت دینی یکی از جریانات ریشه دار معنوی در داخل کشور می باشد اما معنویت های سکولار طی چند سال گذشته از طریق ترجمه آثار و از سویی نمونه های داخلی در حال ترویج است که تفاوت ها و شباهت هایی با معنویت دینی دارند. گرچه این معنویت ها هر یک گونه ها و رویه های مختلفی دارند، لکن برخی نقاط مشترک در بین این معنویت ها وجود دارد که در بسیاری از آنها مشترک است.

کلیدواژه: معنویت سکولار، معنویت دینی، معنویت التقاطی، معناگرایی

مقدمه

روزگاری جامعه شناسی همچون وبر سخن از گشایش همه رازها به وسیله مدرنیته سر داده که معنویت را به طور کامل به فراموشی خواهد سپرد و در نهایت جامعه را همچون قفس آهنینی (iron cage) ترسیم نمود که انسان را در چنبره خود اسیر و او را فاقد معنا و آزادی خواهد کرد. اما امروزه روند اقبال به سمت معنویت و معنا چه در قلب ادیان سنتی و چه در قلب معنویت های نوظهور نشان از نوعی نیاز عمیق و فراگیر بشر در این حوزه دارد. اگر نگاهی گذرا به وضعیت دین و معنویت در عصر جدید بیندازیم و داده ها و اطلاعات اجمالی خود را مرور کنیم این حقیقت را تصدیق خواهیم کرد که بشر جدید پس از وقفه ای نسبتاً طولانی بار دیگر به سوی دین و معنویت روی آورده است. اثبات وجود چنین گرایشی در میان انسان های عصر جدید به ویژه در دهه های اخیر نیازی به ذکر دلیل و قرینه ندارد. گرایش شدید مردم در گوشه و کنار دنیا به کتاب های معنوی دینی، تمایل به شرکت در مجالس دینی و معنوی و طرح گفتمان معنویت خواهی و دین گرایی در میان اقشار مختلف مردم جهان از جمله شواهد این مدعاست. (شریفی، ۱۳۸۷، ص ۴۰)

از سویی مواجهه بشر امروزی با معنویت همراه با نوعی شتاب زدگی و بی دقتی در انتخاب گوهر اصلی معنویت از بدیل های آن بوده است و از این رو معنویت های و عرفان های نوظهور با ادعای طرح خود به عنوان بدیل ادیان سنتی و با گره خوردن با سکولاریزم در صدد تبیین نظام فکری مبتنی بر انگاره های این جهانی و ترویج سبک زندگی مخصوص به خود بوده و وجه مشترک آنها گذر از خدامحوری به سمت انسان محوری و فروکاهیدن معنویت و مسائل معنوی به حل مسائل روان شناختی و روزمره می باشد.

روند سکولاریزاسیون نیز که امروزه در عرصه های مختلف حیات فکری و عملی بشر نفوذ کرده است، در زمینه معنویت هم فعال بوده و در قرون گذشته و پس از حذف دین از عرصه های اجتماعی بشر به حذف دین از عرصه فردی هم ورود و شروع به ایجاد نظام واره فکری و معرفتی برای ایجاد بدیل دین نموده است.

این پروژه در ابتدا با ادعای تفکیک دین از معنویت شروع شد و نسبت آن با ادیان ر که به لحاظ منطقی عموم و خصوص مطلق بود را تبدیل به عموم و خصوص من وجه و یا در برخی از دیدگاه ها تباین نمود. در ادیان هر فرد معنوی باید دیندار باشد

اما در این پروژه لزوماً فرد معنوی دیندار نیست و در برخی از اشکال افراطی تر آن اساساً ادیان محل معنویت تلقی شده اند.

بنابر برخی از اظهارنظرها گرایش‌های معنوی در کشور ما را می‌توان به سه گونه تقسیم بندی نمود:

جریانهای سنتی اسلامی، جریان‌های شرقی هندی، جریان‌های نوظهور غربی (شریفی، ۱۳۸۹) که زمینه اصلی جریان سوم که متأثر از جریان‌های شرقی و هندی می‌باشد دیدگاه‌های سکولار می‌باشد که مهمترین شاخصه‌های آن انسان‌گرایی، تلقی این جهانی و اکنونی زیستن و فردگرایی می‌باشد. این جریان‌ها با گرده برداری مفهومی از سنت‌های مختلف عرفانی در صدد ارائه مدلی التقاطی از معنویت هستند. در مقابل این جریان معنویت اصیل دینی با جامع‌نگری و تأکید بر عقلانیت در مقابل این جریان‌ها با زمینه‌ای ضد سکولار مطرح می‌باشد.

در این تحقیق در صدد آن هستیم که ضمن بررسی و تبیین و تعریف هر یک از معنویت‌ها و بیان شاخص‌ها، نگرشی انتقادی به روند جاری گرایش به این معنویت‌ها نیز داشته باشیم.

۱- بخش اول: توضیح واژگان

۱-۱- سکولاریزم

ترجمه این واژه در زبان فارسی به دلایل مختلف فرهنگی و معرفتی مشکل است و چند حوزه‌ای بودن آن از فلسفه گرفته تا علوم اجتماعی و سیاسی باعث شده تا تعریف جامع و مانعی از آن صورت نگرفته باشد، در عین حال در ترجمه لغوی آن کلماتی همچون اعتقاد به اصالت امور دنیوی، جدا شدن دین از دنیا، لامذهبی و ... استفاده شده است. (پارسانیا، ۱۳۸۴)

در عین در فهم و تفسیر این واژه دو دیدگاه اصلی وجود دارد:

دیدگاه اول؛ برخی سکولاریزم را یک پروژه ضد دینی می‌خوانند که امکان کنار آمدن آن با واژه‌های دینی و معنوی وجود ندارد و سکولاریزاسیون برای قدسیت زدایی از زندگی بشری است. صاحبان این دیدگاه معتقدند:

سکولاریزم خود یک ایدئولوژی ضد معنوی و ضد دینی است و بلکه عمیق‌ترین لایه برای ایدئولوژی‌های مختلفی است که با اصالت بخشیدن به زندگی دنیوی بشر در پی تفسیر و توجیه آن برمی‌آیند. این ایدئولوژی در صورتی که معنویت و دیانت به

حوزه فرهنگ عمومی بازگشت نماید مقاومت خود را برای پیشگیری از حیات مجدد دیانت در عرصه سیاست مدیریت خواهد نمود. (پارسا، ۱۳۸۴)

در فرهنگ بیست جلدی آکسفورد سکولاریزم یک نظریه ای اخلاقی قلمداد شده که در آن ملاحظات اعتقادی و مذهبی همچون اعتقاد به خدا و جهان آخرت کنار گذاشته می شود. (فرهنگ آکسفورد، ۱۹۸۹ به نقل از سربخشی ۱۳۹۰)

دیدگاه دوم؛ مبتنی بر اینکه سکولاریزم لزوماً یک نظریه ضد دینی نیست. این دیدگاه بالنسبه به دیدگاه اول در خصوص دین و سکولاریزم دیدگاه رقیق تری دارد. از این منظر در سکولاریسم خدا یک مفهوم انتزاعی و نامتشخص است و تفاوت چندانی با قوانین حاکم بر هستی ندارد و جز در آغاز خلقت، نقشی برای او در بقا و اداره حیات و تدبیر امور و تشریح قواعد زندگی متصور نیست. (شجاعی زند، ۱۳۸۱: ۷۱)

گرچه دیدگاه های فوق تفاوت هایی دارند اما در اینکه یکی از تبعات سکولاریزم به حاشیه راندن نقش دین در عرصه های مختلف حیات انسانی است اجماع وجود دارد. سکولاریسم با یک سلسله اصول و ارزش های پذیرفته شده در فرهنگ مغرب زمین مانند انسان گرایی، عقل گرایی، علم زدگی و اصالت ماده پیوندی وثیق دارد. (رشاد، ۱۳۸۱: ۲۳)

۱-۲- معنویت

معنویت در لغت مصدری جعلی، و از واژه «معنوی» ساخته شده و معنوی نیز با افزودن یای نسبت به آن، از واژه معنی که خود مصدر میمی بوده، مشتق گردیده است. بنابراین، معنوی یعنی منسوب به معنی. معنویت از جمله واژگانی است که تعریف آن به اندوخته های ایدئولوژیکی تعریف کننده بستگی دارد و بر این اساس برخی ۱۹ گونه مختلف معنویت را بر شمرده اند.^۱

بر این اساس معنویت مشترک لفظی حیرت زایی است که به سادگی نمی توان از شمارش مصادیق آن برآمد چه برسد به ارائه تعریفی جامع و قانع کننده از آن. (مظاهری سیف: ۱۳۸۷) تعریف معنویت در حوزه دین و خصوصاً معنویت اسلامی شاید به مراتب راحت تر از معنویت های نوظهور و سکولار باشد چرا که "تکثر فرق و گرایشات معنویت های نوظهور {سکولار} مانع رسیدن به نوعی اجماع در تعریف

^۱- برگرفته از Islamic Spirituality Foundations اثر سید حسین نصر

معنویت می شود چراکه هر یک معنویت ها با توجه به پیش فرض های متفاوت خود تعریفی ارائه داده اند. برخی از دیدگاه ها در زمینه تعریف معنویت های نوظهور یا سکولار عبارت اند از:

معنویت به مثابه جستجوی معنا؛ ویکتور فرانکل (Viktor Frankl)

معنویت به معنای کامل شدن و دستیابی به نگاهی کل نگر؛ ریزون (Reason, P)

معنویت به معنای نگرش ژرف به زندگی؛ بیگر (Bigger, S)

معنویت به معنای تمرکز بر انبساط روح به عنوان انرژی، امرسون (Ralph Waldo

Emerson)

معنویت یعنی همان عشق؛ دلایی لاما، اوشو، سای بابا، پائولو کوئلیو (باغگلی و

دیگران: ۱۳۹۱)

بنابراین رسیدن به یک تعریف مشخص در این کلیدواژه امری مشکل می نماید. طیفی از دین باوران معتقدند اصولاً مفهوم معنویت تنها در چارچوب گفتمان دینی معنا پیدا می کند و غیر از ادیان آسمانی (حتی ادیان زمینی) نمی تواند از معنویت سخن به میان آورند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۲۴)

برخی از معنویت گرایان سکولار نیز معنویت را تا نیاز عاطفی و روان شناختی فروکاهیده و الزامی در رنگ و لعاب دینی دادن به معنویت نمی بینند و نسبت معنویت را با دین نسبتی لابلشروط تلقی می کنند به این معنی که ممکن است انسانی معنوی باشد و متدین نباشد و یا متدین باشد و معنوی نباشد.

۳-۱- دین

به دلیل اینکه یکی از کلیدواژه های اصلی این تحقیق دین می باشد و از سویی تعریف معنویت دینی نیاز مبرم به تعریف از دین دارد به تعریف مورد نظر از دین می پردازیم چراکه برای فهم معنویت دینی ابتدا باید چیستی دین مشخص شود.

بدون آنکه بخواهیم وارد چالش های تعریف دین شویم، تعریف دین ارتباط مستقیم با انتظار تعریف کننده از دین دارد. برخی اندیشمندان از یک تصویر حداقلی داشته و دین را محدود به مسائل فردی و اخروی می کنند و برخی دین را یک نظام معرفتی و اجتماعی و سیاسی که در مسیر بندگی خدا تبیین می شود و قلمرو دین را گسترش می دهند. به طیف اول منتظران حداقلی و طیف دوم منتظران حداکثری اطلاق شده است. از نمونه های تعریف دوم عبارت است از: دین به مجموعه عقاید، اخلاق،

قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسانها باشد. (جوادآملی، ۱۳۸۷: ۹۳) و از جمله تعاریف با نگاه اول تعریف دین به احساسات اعمال و تجربیاتی است که افراد به تنهایی در پیشگاه خدا می یابند. (جان هیک، ۱۳۹۰، ۱۲)

۲- بخش دوم: معنویت سکولار و معنویت دینی، مختصات و شاخصه ها

همانطور که اشاره شد، معنویت به دلیل پیوند با پیش فرض های معرفتی و ایدئولوژیکی افراد معمولاً با یک پسوند تعریف می شود و مساله آنجا بغرنج تر می شود که در غرب رویه های مختلف معنوی گرا وجود دارد. در عین حال در ادامه تلاش می کنیم ضمن تعریف معنویت دینی و سکولار به مختصات و شاخصه های هر یک اشاراتی کنیم:

۲-۱- معنویت سکولار

سکولاریزاسیون یکی از روند های جاری در غرب پس از مدرنیته بوده و حوزه های مختلف همچون مسائل اجتماعی، دین، سیاست و ... تحت الشعاع این ایدئولوژی تغییر یافته است. از جمله حوزه هایی که در این روند تحت تاثیر قرار گرفته است اخلاق و معنویت است و همانطور که اخلاق در تعاریف جدید از فضای فردی و انفسی بیرون آمده و بیشتر به مسائل عینی و رفتاری تسری داده شده است سکولاریزاسیون معنویت نیز با گذر از معانی انفسی خود به سمت مسائل آفاقی حرکت کرده و امروزه سخن از معنویت در سازمان ها، آموزش و پرورش، حوزه های روان شناسی با تاکید بر فروکاهیدن معنویت به مسائلی همچون موسیقی، ورزش و ... مطرح است. اگر در گذشته اخلاق بذاته یک ارزش بود، امروزه سازمان ها اخلاق را برای بهره وری بیشتر پیگیری کرده و منشور اخلاقی می نویسند. به وزان همین مساله معنویت نیز با تغییر رویه در سکولاریزاسیون به سمت کارایی حرکت کرده است و سازمان ها و نهادها با هدف کارایی بالاتر به دنبال معنوی سازی زیرمجموعه های خود هستند.

در راستای سکولاریزاسیون معنویت یکی از رخدادهای مهم در جنبش های معنوی و دینی در غرب پدیده^۱ SBNR می باشد. پدیده ای که به تفکیک دینداری از

^۱ - مخفف spiritual but not religious

معنویت منجر شده و اعلام می کند که "معنوی هستم نه دیندار". این تفکیک سابقه دیرینه تر داشته و به آثار برخی روان شناسان جنبش پراگماتیسم بر می گردد. از منظر این دیدگاه زندگی معنوی لزوماً به معنای تعلق به یکی از ادیان نهادینه و تاریخی نیست؛ بلکه به معنای داشتن نگرشی به عالم و آدم است که به انسان آرامش، شادی و امید بدهد. (ملکیان: ۱۳۸۰، ۳۷۶)

این گونه از معنویت ها ترکیبی از روان شناسی غربی و تکنیک های نظام های معنوی شرقی است. به همین دلیل است که گاه با تاکید شرقی بر بعد از آنها به عنوان شرقی شدن غرب یاد می شود و گاه با تاکید بر بعد غربی امپریالیسم معنوی نامیده می شود. (طالبی، ۱۳۹۵)

مهمترین شاخصه های معنویت سکولار عبارتند از:

الف) انسان گرایی

اومانیسم (humanism) یا انسان گرایی اندیشه ای بنیادین است که سایه بر اندیشه و تفکر بسیاری از مکاتب علوم انسانی غرب انداخته و به تعبیر برخی از اندیشمندان صورت غالب تمدن کنونی جهان صورت اومانیستم و آنچه فعلاً در همه جهان اسم الاسماء است اومانیسم غرب است. (فردید، ۱۳۸۱، ۱۷)

انسان گرایی گرچه در غرب در ابتدا به عنوان یک نهضت ادبی و فکری رشد نمود اما در نهایت به عنوان زمینه اصلی مکاتب و جریانات فکری غرب شده و با جابجایی جایگاه انسان و خدا در ذهن انسان امروزی و در نگرش های خداپاوار در صدد ترسیم "خدای ساعت ساز" و در نگرش های الحادی به صورت شفاف به نفی خدا و انسان خدایی معتقد و بوده اند.

به لحاظ تاریخی تا ظهور انسان گرایی معنویت از دین متمایز نبود. با افزایش این جریان فکری در غرب، تغییر مهمی طی دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به وجود آمد و معنویت معنایی متمایز کسب کرد و از دین جدا شد (کیانی و دیگران، ۱۳۹۴) وقتی معنویت از دین جدا می شود چه بسا معطوف به خداوند باشد ولی خدایی که در نقش یک خدای مفهومی دکارتی قابلیت دارد. اساساً معنویت سکولار در واقع گسست از خدامحوری به سمت انسان محوری است.

پال توییچل (Paul Twitchell) مؤسسه جنبش های نوپدید اکنکار در آمریکا می گوید:

با پاک کردن مجرای وجودت به این درک نائل می آیی که این همه توست. بعد به این درک که این همه خداست. هیچ کس نمی تواند از این فراتر رود، به این دلیل که فرد برای پیش رفتن در طریق، به قدرت نیاز دارد. از آنجا که تو خود خدایی، پس شایسته تر از آن نیست که خودت را ملاقات کنی (توئیچل، ۱۵۳، ۱۳۸۰)

باگوان شری راجنیش (Bhagawan Shree Rajneesh) یا اشو در این باره به صراحت اشاره دارد که این حق شماسست که آزادانه به گمراهی بروید. این بخشی از کرامت شماسست حتی در مقابل خداوند بایستید و درستی و نادرستی امور را به کنار بگذارید. (اشو، ۲۶: ۱۳۸۰)

ب) تلقی این جهانی و اکنونی زیستن

یکی از تعاریف سکولاریزم علمانیت و تاکید بر مفاهیم این جهانی می باشد. معنویت های سکولار با الهام از این انگاره در خصوص مبدا و منتهای عالم ورود و تفلسف نمی کند و عمدتاً این مساله را مانع معنوی زیستن می دانند. این جریانات با حذف سوالات از کجا آمده ام؟ به کجا می روم؟ به سوال چه کنم که متضمن ارائه راهکاری منقطع از مبدا و منتهای هستی است می پردازند از این منظر اساسی ترین سؤال انسان معنوی چه کنم است؟ و تمام سوالات مختلفی که مطرح می شود اعم از از کجا آمده ام به کجا می روم هدف خلقت چیست؟ به اندازه ای اهمیت دارند که ما را در پاسخ سؤال فوق یاری کنند. (ملکیان، ۱۳۸۳)

رمز تاکید بر آموزه "زیستن در حال" در بین گونه های مختلف معنویت سکولار ناشی از همین نگرش است. این مفهوم در معنویت های تحت تاثیر ادیان شرقی و معنویت های جدید مورد تاکید است. مصطفی ملکیان نظریه پرداز نظریه عقلانیت و معنویت در این باره معتقد است:

در حال زیستن پتانسیل لذت بردن ما را از زندگی افزایش می دهد و پتانسیل رنج بردن ما از زندگی را کاهش می دهد. به تعبیر دیگر اگر انسان می خواهد از آنچه حال به او عرضه می کند، باید ذهن و بدنش را همزمان کند. (ملکیان، ۱۳۹۳)

در آثار و نوشته های وین دایر، دیباک چوپرا، دبی فورد، کاترین پاندر، لوئیزی، دونالدوالش، بتی جین ایدی و .. این مفهوم - البته با عناوین متفاوت و تفسیر واحد - فراوان دیده می شود.

ج) فردگرایی

یکی از شاخص های اندیشه مدرن و عرفان های سکولار تاکید بر اندیشه فردگرایی (individualism) می باشد. اندیشه ای که اولویت نیازهای فردی بر نیازهای گروهی، روابط اجتماعی نه چندان منسجم و گرایش به خودمختاری تأکید دارد. (فیروزبخت، ۱۳۸۱ص ۲۲)

معنویت گرایی سکولار، فرد عابد و مطیع ادیان سنتی را تبدیل به یک تصمیم گیرنده و بازیگر اصلی می کند بازیگری که محوریت با اوست. بر خلاف ادیان سنتی که تاکید بر رشد جامعه و فرد به عنوان بخشی از جامعه می شود در نگرش های معنوی سکولار، فرد محور اصلی قرار می گیرد و بر این اساس یکی از عناصر اصلی این معنویت ها خصوصی سازی و فردی سازی معنویت است.

در اکنکار تاکید می شود که هر کسی قصر منحصر به فرد خودش را می سازد (تویچل، ۱۳۸۰، ۲۰۹) و آنچه هرگز مفقود نمی شود از دست نمی رود فردیت است. (همان، ۱۴۹)

یکی از دلایل این که تمدن غرب برای بسیاری از این مکاتب به عنوان یک مامن مناسب برای ترویج دیدگاه هایشان انتخاب می شود همسو بودن اندیشه فردگرایی با اصول این جریانات می باشد.

۲-۲- معنویت دینی

معنویت به عنوان اصیل ترین گوهر ادیان همراه و همزاه دین شناخته می شود و یک فرد معنوی از منظر دینی کسی است که به سه حوزه عقاید، اخلاق و مناسک و شعائر دینی نیز پایبند باشد و شریعت با آنچه در گذشته طریقت و حقیقت خوانده می شد و یا امروزه معنویت گفته می شود مکمل یکدیگر هستند و از سویی در فضای معنویت دینی گام اولیه در فهم معنویت، پذیرش خداوند متعال به عنوان منبع فیض است و لذا از منظر دینی، معنویت منهای حرکت و تلاش برای رسیدن به رضای الهی قابل تصور نیست و بر خلاف معنویت سکولار که به بهانه خودشکوفایی فرد، معتقد به حذف تعبد و خشوع و خضوع در برابر خداست، در معنویت دینی اساساً راه سلوک فرد معنوی عبودیت و بندگی خداست. هستی در دیدگاه دینی منحصر به موجودات مادی نبوده و جهان ناسوت و مادی تنها بخشی از هستی می باشد و براین اساس معنویت های دینی با پذیرش این اصل ضمن جدا شدن از عرفان های سکولار، منشا

هستی را حقیقت غیر مادی دانسته و آن را در ورای مسائل مادی و روان شناختی انسان جستجو می کنند.

در هستی شناسی معنویت مبتنی بر دین خدا اصالت داشته و به عنوان غیب از آن یاد می شود که بر این جهان و عالم محیط بوده و نسبت به آن معنا بخش و تعیین کننده است به گونه ای که غفلت از خدای متعال مانع از شناخت و رشد معنوی می شود. اما در "معنویت های سکولار / عرفان مدرن از قید و بند پیش فرض های متافیزیکی عرفان سنتی یا معنویت قدسی و از جمله مهم ترین آنها، یعنی اعتقاد به وجود خدای ادیان ابراهیمی، آزاد است. معنویت سکولار / عرفان مدرن از نظر متافیزیکی «طبیعت گرا» است، و لذا شکاکان دینی، خداناباوران و ندانم انگاران نیز می توانند بدون ارتکاب تناقض به این عرفان و معنویت ملتزم شوند. (فناپی، ۱۳۹۱، ۱۰)

جدای از زمینه های اصلی همچون خدامحوری، اعتقاد به غیب مهمترین مهمترین شاخصه های معنویت دینی را می توان در دو حوزه جامع نگری و عقلانیت تبیین نمود:

الف) جامع نگری

بشر شئون و نقش های مختلفی در زندگی اجتماعی خود دارد که قابل انفکاک از هم نیست و دین هم به همین دلیل می بایست برای فرد دیندار که همان فرد معنوی است، برنامه هایی به جامعیت زندگی او داشته باشد و معنویت مورد نظر دین نمی تواند فقط به جنبه های شخصی ارتباط با خداوند محدود شود و باید جلوه اجتماعی نیز پیدا کند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۵۸)

از منظر عرفان اسلامی ویژگی انسان، «جامعیت» او نسبت به همه استعدادها است. ویژگی انسان کامل این است که می تواند مظهر همه اسما و صفات الهی شود، وگرنه خدای متعال مخلوقات متعدد و مختلفی دارد که تنها مظهر برخی از اسما و صفات الهی هستند. این تنها انسان است که می تواند مظهر همه اسما شود و این امر خاص انسان است. از این رو ویژگی حرکت انسانی هم این است که حرکتی در تمام ابعاد وجودی باشد و مجموعه استعدادهای خدادادی او به فعلیت برسد نه تنها یک یا چند استعداد خاص. پس اگر حرکت انسان تک بعدی شد، چنین حرکتی حرکت در مسیر درست انسانی نیست. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ۱۴۲)

برخی^۱ از معنویت های جدید که تنها بخش هایی از زندگی فردی و اجتماعی سالک را پوشش می دهند، به معنویت های پاپکورنیزه شده تعبیر می کنند. معنوبینی که از نقش های مختلف زندگی روزمره انسانی جداست و تنها در اتاق ها و جلسات ریلکسیشن و مدیتیشن جاری و ساری است این در حالی است در اسلام، دستورها و باید و نباید های معطوف به روابط اجتماعی نیز بوده و به صورت کاملاً در هم تنیده، در کنار دستورهای فردی مطرح هستند؛ به گونه ای که نادیده گرفتن آنها، دستورهای فردی را نیز دچار نقصان می کند و یکپارچگی و انسجام اندام وار دستورات شریعت را مخدوش می سازد. از سوی دیگر معنوبینی که برگرفته از تجربه های شخصی یک فرد باشد نمی تواند حائز ویژگی همه جانبه نگری به معنای توجه به همه ساحت های وجودی انسان باشد. اما در معنویت های دینی می توان به نحو پیشنی استدلال نمود که به دلیل اینکه تنها موجودی که بر تمام ابعاد وجودی انسان آگاه است، خالق اوست و او تمام نیازمندی های واقعی، مراحل رشد و سعادت انسان را دانسته و بر اساس آن به ارائه رهنمود برای بشر پرداخته است، فلذا معنویت دینی به عنوان میراث انبیاء الهی جامع و کامل است.

ب) عقلانیت

یکی از تلاش های معنویت گرایان دینی تلاش برای پیوند بین سه عنصر عقل، معنویت و شرع بوده است و نگاهی به میراث معنویت گرایان دینی که از آنها به عنوان عرفا و حکما یاد می شود نشان می دهد که عنصر عقلانیت همواره در دستور کار آنها قرار داشته است. معنویت هم باید به نوعی به عقل نزدیک باشد یا خود عقل یا چیزی شبیه عقل باشد یا دست کم از شوون عقل باشد (دینانی، ۱۳۸۳، ۵۱)

گرچه نزاع بین فیلسوفان و عارفان در سنت های عرفانی و فلسفی مختلف وجود داشته است، اما هر یک تلاش کرده اند با توجه به گوهر عقلانیت و تاکید و توجه بر آن به دفاع از محتوا و نظریه های خود بپردازند و منکر فعالیت ذهنی و تلفسف نیستند و اساساً در رویه دینی راه تشخیص صحت و درستی مکاشفات دو چیز است: یکی عدم مخالفت با عقل و دیگر مطابقت با وحی و شریعت؛ یعنی یک مکاشفه در صورتی مورد قبول و پذیرش است که اولاً، ضد عقل نباشد و ثانیاً، مورد تأیید معارف

^۱ - بهزاد حمیدیه در مقاله بازخوانی انتقادی تحولات اخیر دین داری و معنویت گرایی نشریه قسبات،

و حیانی باشد؛ برای مثال، اگر کسی ادعا کند من در مقام کشف و شهود دیدم که اجتماع نقیضین محال نیست، هرگز نمی توان او را پذیرفت.. (شریفی، ۱۳۸۷، ۶۵)

این رویه بر خلاف روند جاری عرفان های و معنویت های سکولار است که طی آن به صراحت همه فعالیت های ذهنی از جمله دانش های اکتسابی، اطلاعات و فلسفیدن را سطحی و مردود دانسته و معتقدند که ذهن و فعالیت های آن را باید کنار گذاشت و عشق را جایگزین آن کرد. (فعال، ۱۳۹۰، ۸۴)

از دیگر شاخص های معنویت دینی می توان به اصالت خدا، تطبیق معنویت با شریعت و وحدت انگاری شریعت، طریقت و حقیقت است

بخش سوم: شباهت ها و تفاوت دونوع معنویت

معنویت های دینی و معنویت های سکولار گرچه به لحاظ لفظی شباهت دارند لکن تفاوت های اساسی در رویه ها، بنیان ها و شیوه های کارکردی خود دارند که آنها را از یکدیگر جدا می کند، از سویی این دو معنویت نقاط مشترکی دارند که به جهت گیری های تلفیقی این دو معنویت کمک می کند. در ادامه تلاش می شود که به تفاوت ها و برخی شباهت های معنویت های دینی و سکولار اشاراتی شود.

۳-۱- تفاوت ها

الف) التقاط و عدم التقاط

التقاط به معنای بخشی از گفتار یا سخن کسی را گرفتن، در ادیان سنتی به عنوان یک رویکرد منفی تلقی می شود. التقاطیون گروهی از فلاسفه بودند که در صدد جمع میان گفته های پیشینیان و وفق دادن آرای آنها با یکدیگر بوده یا از هر طایفه از قدما قولی را گرفته و در واقع در حکمت للتقاط کرده و فلسفه مختلطی فراهم آورده اند. (فروغی، ۱۳۸۹، ۷۹)

تعابیری که طی سه دهه گذشته از اسلام آمریکایی، اسلام مارکسیستی توسط برخی از بزرگان انقلاب اسلامی به کار برده شد در راستای نفی فهم های التقاطی از سوی سازمان ها و گروهک و خرده جریاناتی بود که در صدد ارائه مدلی التقاطی از اسلام بود که آمیخته ای از اسلام، لیبرالیسم و مارکسیسم بوده است.

گرچه جریان‌ات دینی نیز در را درون خود جریان‌های مختلفی تشکیل می‌دهند اما همگی مدعی و در تلاش هستند تا فهمی همسو با گوهر دین ارائه کنند و رویه‌های التقاطی در پیش نگیرند.

در عین حال یک از ویژگی‌های مشترک معنویت‌های سکولار بهره‌گیری از چند مکتب و دین در راستای تبیین و تکمیل منظومه فکری‌شان است. در حالیکه این ادیان و مکاتب در حقانیت/عدم حقانیت و یا در روش‌های رسیدن به سعادت و حقانیت متفاوت و به لحاظ مبانی بسیاری متفاوت هستند. معنویت‌های سکولار به دلیل اینکه دغدغه و تاکیدشان بر حقانیت نبوده و کارایی برایشان مهم است به تمامی این مکاتب نگاهی ایزاری داشته و معجونی متعارض از جریان‌ات فکری و فلسفی، ادیان و مکاتب معنوی را به پیروان خود عرضه می‌کنند.

خانم الین بارکر^۱ بنیانگذار و رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان جدید در انگلستان با تشبیه منظومه باورهای جریان‌ات معنوی سکولار جدید به یک سوپرمارکت می‌گوید:

این سوپرمارکت بزرگ نه تنها شامل گروه‌هاست بلکه سوپرمارکت عقاید و باورهایی است که در آن چیده شده است و مردم می‌توانند در آن بچرخند و از هر قفسه‌ای چیزی بردارند و دین خاص خودشان را تهیه نمایند یا به یکی از گروه‌های این سوپرمارکت درآیند. (بارکر، ۱۳۸۲)

ب) شریعت محوری و شریعت ستیزی

عرفان‌ها و معنویت‌های دینی همواره تاکید بر حفظ شریعت دارند و در همه مراحل سلوک برای تشخیص حقیقت یافته‌ها از پندار و شناخت آب از سراب، شریعت بهترین ملاک و میزان تشخیص است امام خمینی (ره) این نکته را از مرحوم شاه‌آبادی چنین نقل می‌کند:

عبادات، سرایت دادن ثنای حق، به جنبه و مقام جسمانی و مادی انسان است. همان‌گونه که بطن‌ها و مراتب دیگر وجود انسان همانند «عقل»، «قلب» و «صدر» حظ و بهره خود را از معرفت و ثنای رب خود دارند، مرتبه جسمانی انسان و ملک بدن او نیز باید حظ و بهره خود را از معرفت و ثنای حق داشته باشد و همین مناسک و اعمال، حظ بدن است. روزه، ثنای حق به صمدیت و قدوسیت است و نماز ثنای ذات مقدس حق است به جمیع اسماء و صفات. (امام خمینی، ۱۳۸۰، ۵۲)

^۱ - Eileen Barker

تاکید بر شریعت و تقید به آن در معنویت های دینی در حالی مطرح می شود که در معنویت های سکولار این مسئله به بهانه های مختلف مورد نفی قرار گرفته و دستورات خلاف شریعت های الهی از سوی نظریه پردازان جریانات معنویت سکولار مطرح می شود. اشو از بنیانگذاران یکی از جریانی های معنوی سکولار می گوید:

هر مذهبی سه بعد دارد؛ شبیه مفهوم تثلیث. سطح نخست مذهب، شریعت است. شریعت می تواند زنده باشد یا مرده و آنگاه که بودا و محمد زنده بودند، شریعت آنها زنده بود؛ اما وقتی آنها از دنیا رفتند از شریعت آنها فقط یک نعش ماند. نعش به بدن واقعی شبیه است اما در آن زندگی جاری نیست. بنابراین بدن دروغین است... شریعت بعد بیرونی دین است و یک مذهب مرده چگونه طراوتی ندارد، تمام ایسم ها از شریعت برمی خیزد. موش در رفتارش قابل خلاصه شدن است. وی عمق و درون ندارد. عوام شریعت نیز به مانند موش هستند. (اشو، ۱۳۸۴، ۷۹)

در فضایی که محوری ترین بنیان یک تفکر بر شاد و آرامش زیستن باشد به طور طبیعی هر آنچه با طبع نفسانی او ناسازگار باشد حذف می شود و از سویی با تزیینی شدن خدا در تفکرات معنویت های سکولار دیگر فرمانبرداری و اطاعت از او در قالب شریعت بی معنی و برای انسان در برابر خداوند تکلیفی قائل نخواهند بود

۲-۳- شباهت ها

الف) باطن گرایی

یکی از وجوه مشترک معنویت سکولار و دینی تاکید بر فهم لایه بندی شده از عالم می باشد. در حوزه دین عرفا همواره بر گذر از معانی ظاهری شریعت و فهم معانی عمیق تر متون دینی تاکید داشته اند البته معنا و باطنی که از پوسته و ظاهر عبور نکرده و ضمن احترام به فقه و احکام در صدد است به بواطن امور دسترسی پیدا کند. مولانا در دفتر اول مثنوی اشاره دارد:

گر بیان معنوی کافی شدی خلق عالم، عاطل و باطل بُدی

گر محبت فکرت و معنیستی صورت روزه و نمازت نیستی

یک دین دار قشری به ظاهر اعمال دینی بسنده می کند و از باورهای دینی تنها به

درکی عوامانه و سطحی دلخوش است. حال آنکه دیندار معنوی، در پی درک لایه

های عمیق تری از متن مقدس و آموزه های دینی است. عبادت معنوی، همراه با

خشوع قلبی و درک حضور معبود است. (حمیدیه، ۹۵)

وجه مشترک این دیدگاه با معنویت گرایی جدید نیز مساله توجه به معانی و البته گذر از سطوح است. معنویت گرایان جدید همواره در صدد فهمی عمیق تر از مسائل و ظواهر عالم و ارائه تفسیری چند لایه از این وضعیت هستند. معنویت گرایی جدید گرچه در ظاهر به گرایش‌های بی‌خدایی هم حرکت کند اما در عین حال ماتریالیسم نیست و معنویت همین نگاه فروکاهشی به واقعیت و نگرش ظاهرگرایانه به هستی را نکوش می‌کند و از حقایقی در سویه متعالی جهان پرده برمی‌دارد فرد و جامعه با تمرکز بر این حقایق عمیق و با جهت‌گیری وجودی به سوی تعالی از زندگی روزمره و هیاهوی عالم ماده به منبع جاودان کمال و قدرت می‌رسد موفقیت خود را تضمین می‌کند و آرامشی یا ثبات می‌یابد. فرد معنوی در شگفتی‌های طبیعت در هنرها، ورزش، روابط انسانی و در فعالیت‌های روزانه حقایقی عمیق می‌یابد که ماتریالیست‌ها و ظاهر بینان از درک آنها ناتوان‌اند. (همان)

ب) هیجان معنوی

گرچه در معنویت‌های دینی عنصر عقلانیت یکی از بازیگران اصلی است در عین حال دل و هیجانات معنوی به عنوان عقلِ عقلِ نقشی مهم در رشد فرد معنوی ایفا می‌کند. در سنت‌های عرفانی همواره تاکید بر عقلانیت افراطی نوعی ضد ارزش محسوب می‌شود و فرد معنوی کسی نیست که تنها در پی تحکیم استدلال‌ات عقلی خود برای تثبیت عقاید دینی و پاسخگویی به شبهات باشد بلکه باید توحید را در عرصه زندگی اش لمس کند و یک جنبش درونی نیز داشته باشد. به وزان این نگرش برخی از معنویت‌های سکولار نیز با تاکید از عبور از قشری‌گرایی و روزمرگی به سمت لایه‌ها و معانی عمیق‌تر زندگی حرکت می‌کنند با این تفاوت که به صورت مبتدلی بر صور مختلف هیجانات درونی تاکید می‌شود.

دیوید، ان، ال‌کینز (David N, Elkins) می‌گوید:

من مراجعان و دانشجویان خود را ترغیب می‌کنم آن چیزی که بر آنها تاثیر عمیق می‌نهد بشناسند. این چیز می‌تواند یک سمفونی بتهون، پیاده روی در کوه یا حضور در یک گالری نقاشی باشد. سپس به آنها کمک می‌کنم مطابق برنامه منظمی این فعالیت‌ها را در برنامه روزانه شان بگنجانند. (Elkins, 1999)

ج) ادبیات مشترک

یکی دیگر از وجوه مشترک معنویت های سکولار و دینی که طی چند سال گذشته باعث جذب برخی از افراد متدین به این جریان ها شده است ادبیات مشترک موجود بین هر دو جریان می باشد. معنویت های التقاطی اصولاً با ادبیات و کلیدواژه هایی تولید محتوی می کنند که بسیاری از آنها با ادیان و معنویت های دینی مشترکند، در حالی که بسیاری از آنها مشترک لفظی هستند و در منظومه معنویت دینی معنایی کاملاً متفاوت از معنای عرفان های التقاطی و سکولار دارند. برای تقریب به ذهن این مساله می توان از اصطلاح جنبش های نوپدید دینی (New religious movement) یاد کرد که طی سالهای گذشته در کشور رایج شده است. حال آنکه دین از منظر یک مسلمان معتقد متفاوت است از فهمی که یک پژوهشگر حوزه معنویت در غرب از کلمه دین و تدین دارد.

برهمن اساس یکی از اقدامات برای فهم یک روایت واقعی از معنویت های جدید، اصلاح واژگانی است که در بلند مدت می تواند اذهان مخاطبین تبلیغی این معنویت ها را به دلیل گرایش مثبت به اصطلاحات اقتباس شده از معنویت های دینی تحت تاثیر قرار داد. واژگانی همچون خدا که در ادبیات دینی و اسلامی کاملاً متفاوت از خدایی است که در معنویت های جدید مطرح می شود، چرا که هندسه کلمات در مجموعه آموزه ها، بیانگر هویتی مستقل، هنجارها و شاخص هایی ویژه و مختص به یک بافت از اندیشه است. (بینا، ۱۳۹۰)

۴- بخش چهارم نگرش انتقادی و نقد روند های جاری گرایش به معنویت سکولار

سبک زندگی، گسترش ارتباطات و شبکه های اجتماعی و از سویی ترجمه های روزافزون معنویت های مدرن و سکولار توسط مترجمان باعث شده که این طیف از جریانات معنوی به داخل کشور ما نیز نفوذ کنند. شناسایی شاخص ها و نگرش های انتقادی به این جریانات می تواند در کند شدن روند رو به رشد معنویت های سکولار کمک بسزایی کند.

در ادامه تلاش می کنیم با برشمردن نقادانه برخی از آثار و تبعات رشد و نفوذ این جریانات به نقد روندهای جاری گرایش به معنویت سکولار پردازیم:

۴-۱- فروکاهیدن جامعه به واقع گرایی

افراد و جوامع همواره برای خود آرمان‌ها و اهداف بلند مدتی ترسیم و در صدد رسیدن به این آرمان‌ها هستند و در این میان شکست و پیروزی در راه رسیدن به آرمان‌ها امری طبیعی می‌باشد. این روحیه آرمان‌گرایی پیش‌برنده اصلی حرکت رو به رشد افراد و جوامع خصوصا در حوزه‌های مربوط به منافع ملی می‌باشد. همانطور که اشاره شد معنویت‌های سکولار با تاکید بر تفرد و نوعی انزوا فرد را از جامعه جدا می‌کنند و از سویی با فروکاهیدن آرمان‌های انسانی همچون مبارزه با ظلم، دیدگاه‌هایی مبنی بر تحمل وضع موجود به پیروان خود توصیه و تجویز می‌کنند و به نوعی سطح آمادگی فرد برای زیستن در تمدنی با سطح آسیب و چالش بالا افزایش می‌دهند و از سویی فرد با تسلیم شدن در برابر نظم نوین جدید و اطاعت از قدرت‌های اجتماعی و سکوت در برابر انواع ظلم‌ها به واقعیات و خزیدن به کنج عزلت تن درمی‌دهد. در بسیاری از این معنویت‌ها انگاره درد و رنج الهام‌گرفته از بودیسم وجود دارد، انگاره‌ای که تاکید بر اصالت درد و رنج و شر در عالم دارد. استفاده از استعاره گل نیلوفر در برخی از این جریان‌ها در اعمال و مناسک خود به خوبی مبین دیدگاهی است که طی آن فرد اطراف خود را سرتاسر رنج و مرداب می‌بیند و تنها در صدد نجات خود از این وضعیت می‌باشد.

این نگرش منجر به نوعی مسئولیت‌گریزی و عدم توجه به مسئولیت‌ها و واقعیت‌های اجتماعی می‌شود. در بخشی از معنویت‌های سکولار متأثر از ادیان شرقی سیاست‌واقعه‌پلیدی است و سیاستمداران انسانی‌شیطانی (اشو، ۱۳۸۱، ۴۰۷) از منظر دلایی لاما کسی که به یاری مظلوم می‌رود، در حقیقت تزکیه او را با مشکل مواجه ساخته است. در اندیشه‌های دلایی هر کسی بدی و ظلم می‌کند، خود بیش از همه از درون رنج می‌برد و آزرده می‌شود. (دلایی لاما، ۱۳۸۲، ۹۰)

این رویه در بلندمدت مشارکت‌های مدنی و سیاسی مردم را در ساختارهای مدنی و سیاسی به شدت کاهش می‌دهد و انسان‌هایی بی‌تفاوت تولید می‌کند.

۲-۴- ترویج دیدگاه های کارکردگرایانه

امروزه پراگماتیسم (Pragmatism) و نگرش های عمل گرایانه در حوزه های مختلف علوم انسانی ترویج و مطرح می گردد اما سوال اینجاست که آیا تاکید بر این دیدگاه ها در مسائل خطیری همچون معنویت و دین راه گشا هست یا خیر؟ عمل گرایی یکی از اصول عرفان های سکولار است. وقتی در فضای ادیان مسائلی از قبیل هدف آفرینش، آخرت، توجه به عقوبت رفتار اعتبار خود را از دست می دهند به طور طبیعی معنویت طراحی شده به سمت گرایش لذت طلبی و دم غنیمتی پیش خواهد رفت. در این نگرش ها معنویت به عنوان یک ایژه مسرت بخش و یک کالا جهت رسیدن به آرامش مطرح است. از این منظر مهم نیست که به خدا اعتقاد داشت یا خیر بلکه تنها آرامش است که در صورتی که با هر یک از این نگرش ها به وجود بیاید اولویت دارد.

در معنویت های نوظهور اساسا سوال اصلی این نیست که این مکتب و اندیشه چقدر از حقانیت و یا عدم حقانیت و یا صدق و کذب بهره دارد بلکه مساله اینجاست که چقدر آرامش و مسرت جلب می شود. در این تلقی معنویت نحوه مواجهه ای با جهان هستی است که در آن شخص روی هم رفته با رضایت زندگی می کند و دستخوش اضطراب و دلهره و نومیدی نیست. (ملکیان، ۱۳۸۵)

دالایی لاما در خصوص این موضوع می گوید:

ممکن است کسی با اعتقاد به خدا، به آرامش برسد و دیگری با انکار خدا هر کدام باید داروی مورد نیاز خود را انتخاب کنند. (به نقل از مظاهری سیف، ۱۳۸۷)

ترویج نگرش های عمل گرایانه در سطح علوم کاربردی و اجتماعی گرچه قابل توجه است اما تسری آن به حوزه مسائل فکری و عقیدتی و آموزه هایی که در تعیین سعادت و شقاوت انسان ها نقش بازی می کند، روندی است که در بلندمدت معنویت و دین را به ابتدال خواهد کشید.

۳-۴- فرقه سازی و کاریزماسازی

ماهیت معنویت های جدید گرچه با تاکید بر فردگرایی و خصوصی سازی معنویت بنا شده است، اما تجربه فرق و معنویت های نوظهور که بیشتر آنها زمینه سکولار دارند، نشان از این دارد که فرقه سازی و ایجاد یک شخصیت کاریزما در سطح اول جریان، یکی از شاخص های اصلی و کارکرد های اجتماعی این معنویت ها می باشد

که منجر به دیدگاه های افراطی و رادیکال در حوزه باورها و تعصب نسبت به نفر اصلی جریان می شود. به عنوان مثال جریان کریشتا مورتی معتقد بود جزء هیچ گروه و نحله ای نباشید تا بتوانید به طور دقیق و صحیح فکر کنید، چرا که تشکیلات نمی تواند انسان را به سوی تعالی معنوی سوق دهد بلکه باعث محصور شدن آدمی می شود. (مورتی، ۱۹:۱۳۷۶)

در عین حال وی رهبر انجمن ستاره در مشرق زمین بود که هدف آن هموار کردن راه برای آمدن معلم جهانی بود و تشکیلات عریض و طویلی برای این انجمن طراحی و راه اندازی گردیده بود.

رهبران چنین معنویت هایی با وابسته کردن پیروان خود و سیطره کامل بر آنها در موارد زیادی از آنها بهره کشی های متنوع می کنند. رهبران این فرقه ها چنین القا می کنند که سالک باید همه اختیار خود را به استاد بدهد و خود را عبد محض او بداند. خصوصاً اینکه در بخشی از این معنویت ها نوعی ناامیدی به جهان ترویج می شود

این رویه با فرقه سازی و تزریق تصلب و جمود به افراد عضو فرقه در بلندمدت موجب رفتارهای رادیکال شده و پس از سالها با فرقه های مختلفی روبرو خواهیم بود که هر یک ایمان راسخی به باورهای خود داشته و از درک سایر افراد خارج از جریان فکری خود و ارتباط با آنها ناتوان خواهند شد.

۵-۳- ترویج بی بند و باری

معنویت های سکولار متأثر از جریانات پس از انسان گرایی و تاکید بر لذات این جهانی به نوعی اصالت لذت معتقد هستند، لازمه اصیل دانستن لذت در این معنویت ها کنار راندن هر ضابطه و قانونی که آزادی های ظاهری را محدود می کند... این معنویت ها پس از حذف خدا، آخرت و پاداش و کیفر اعمال در ساحت باور پیروان خود، در نهایت نوعی بی بندوباری را در حوزه های مختلف در فرد نهادینه می کنند که به صورت تئوریزه شده مطرح شده و در نهایت به دلیل همخوانی با بخش زیادی از غرائز انسانی مورد توجه قرار می گیرد.

پال توئیچل برای توجیه این نگرش در فرقه خود می گوید :

عوام الناس برای رفع مشکلات خود، در صدد تدوین شرعیات و قانون برمی آیند. آنها به دنبال کسانی می گردند که بتوانند این حاجت را برایشان مهیا سازند.

لذا ادیان و مذاهب ساخته و پرداخته می شوند تا بشر را سرگرم نمایند (توئیچل، ۲۸۱، ۱۳۸۱).

یکی از معروف ترین انحرافات در زمینه دیدگاه های اشو در خصوص مسائل جنسی است. وی با تئوریزه کردن بی بند باری جنسی معتقد است همه مسائل و مشکلات بشر در سکس خلاصه می شود. حتی کسانی که در جست و جوی معنویت و خدا هستند، در حقیقت در جست و جوی مسائل جنسی اند. مشکل اصلی آنان مشکلات جنسی است و نه مشکلات دینی. (اشو، ۱۳۸۰، ۸۲) وی حتی روشی به نام سکس مدیتیشن ابداع نمود.

روند ترویج بی بندوباری در این جریانات معنوی، آنگاه خطرناک می شود که پشتوانه فکری نیز پیدا کرده و جامعه ای لایبالی را به وجود آورد که ارزش های اولیه اخلاقی را به بهانه مسائل معنوی زیر پا خواهد گذاشت.

نتیجه گیری

بدون تردید سکولاریزاسیون معنویت با شاخصه ها و روندهایی که یاد شد یکی از تهدیدات آینده انقلاب اسلامی می باشد. این جریان که از سوی دو جریان پردازش و تقویت می شود، از غرب در قالب سخنگویان و کتاب های متعددی که برخی از آنها گذشت در حال ترویج است و از سویی معنویت گرایی داخلی نیز از سوی کسانی همچون مصطفی ملکیان ذیل پروژه عقلانیت و معنویت در حال نظریه پردازی است. جدای از ناسازگاری این نگرش ها با شرایط فرهنگی و بومی داخلی، به نظر می رسد این معنویت ها در نهایت انسان هایی فردگرا، سیاست و جامعه گریز را تربیت خواهد کرد. ماهیت این جریانات به دلیل اشتراکات مفهومی با دین از سوی مخاطبین و حتی دینداران درک نشده که باعث رشد بیشتر آنها خواهد شد. در این میان ارائه منظومه معنویت دینی اسلامی از جمله ضرورت هاست که می تواند نقاط اختلاف آن با این طیف از معنویت ها را به خوبی مشخص و منقح نماید.

منابع و مأخذ

ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۳)، *عقلانیت و معنویت*، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی

اشو (۱۳۸۰) *شهامت*، ترجمه خدیجه تقی پور، ج دوم، نشر فردوسی

اشو (۱۳۸۴)، *آواز سکوت*، ترجمه میرجواد سیدحسینی، تهران، انتشارات هودین
اشو (۱۳۸۱)، *ضربان قلب حقیقت مطلق*، ترجمه مرضیه شنکایی، تهران، انتشارات فردوس
اشو (۱۳۸۰) *مراقبه: هنر وجد و سرور*، ترجمه فرامرز جواهری‌نیا، تهران، انتشارات فردوس
بارکر، الین (۱۳۸۲)، *معرفی جنبش‌های نوپدید دینی*، ماهنامه اطلاع رسانی اخبار ادیان، سال اول،
شماره ۲

پارسانیا، حمید (۱۳۸۴)، *سکولاریزم و معنویت*، نشریه علوم سیاسی، شماره ۳۲
باغگلی، حسین، شعبانی، بختیار، غفاری، ابوالفضل، نهاوندی (۱۳۹۱)، *نقد مفهوم معنویت در تربیت
معنوی معاصر*، معنویت دینی و نوپدید، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۱۶، پاییز
۱۳۹۱

پال توئیچل ۱۳۸۱ *شریعت کی سوگماد* ترجمه هوشنگ اهر پور ج ۱ قلم
بینا، حامد (۱۳۹۰)، *سایت شبستان* ۵۷۰۷۴ <http://shabestan.ir/detail/News/>
توئیچل پال (۱۳۸۰) *دفترچه معنوی*، ترجمه هوشنگ اهر پور، جلد ۲ نگارستان کتاب
دالایی لاما، (۱۳۸۲)، *کتاب کوچک ژرف اندیشی*، مترجم، مهرداد انتظار، تهران: نشر علم
شریفی، احمدحسین (۱۳۸۷)، *درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان های کاذب*، نشر صهبای یقین
شریفی، احمد حسین (۱۳۸۹، ۱۹ خرداد)، *ایران فرهنگی*، سال شانزدهم، شماره ۴۵۲۲
سربخشی، محمد (۱۳۹۰)، *سکولاریزم، دین، اخلاق، معرفت اخلاقی*، سال دوم شماره چهارم
شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۱) *عرفی شدن در تجربه اسلامی و مسیحی*، تهران، انتشارات باز
رشاد علی اکبر (۱۳۸۱) *دموکراسی قدسی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه
حمیدیه، بهزاد (۱۳۹۵)، *سکولاریزاسیون معنویت تهدید فرهنگی*، فصلنامه فلسفه و الهیات سال
۲۱ شماره سوم

خمینی، روح الله (۱۳۸۰) *سر الصلاة: معراج السالکین و صلاة العارفين*، بیروت، دارالتعارف
للمطبوعات

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *دین شناسی*، جلد پنجم، قم، مرکز چاپ و نشر اسراء
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷) *شریعت در آئینه معرفت*، قم، مرکز چاپ و نشر اسراء
طالبی، ابوتراب (۱۳۹۵)، *گونه شناسی معنویت گرایان جدید*، نشریه راهبرد فرهنگ، سال نهم، شماره
۳۵

فرانزوی، استفن ال (۱۳۸۱)، *روان شناسی اجتماعی*، مهرداد فیروزبخت، منصور قنادان، تهران، نشر رسا
فردید، احمد (۱۳۸۱)، *دیدار فرهنگی و فتوحات آخرالزمانی*، به کوشش محمد مرادپور، نشر مؤسسه
چاپ و نشر نظر

فروغی، محمد علی (۱۳۸۹)، *سیر حکمت در اروپا*، تهران، نشر هرمس

فعالی، محمد تقی (۱۳۹۰)، *آفتاب و سایه ها*، نشر عابد

فنائی، ابوالقاسم (۱۳۹۱) *معنویت قدسی*، روزنامه شرق، شماره، ۱۵۱۸

کیانی، معصومه، مهرمحمدی، محمود، صادق زاده، علیرضا، نوذری، محمود، باثری، خسرو (۱۳۹۴)،
مفهوم شناسی معنویت از دیدگاه اندیشمندان تربیتی غربی و مسلمان، مجله اسلام و پژوهش های
تربیتی، سال هفتم، شماره دوم پاییز و زمستان ۹۴

مظاهری سیف، حمید رضا (۱۳۸۷)، *پیوند معنویت لیبرال با عقلانیت سکولار در شک پایدار*،
کتاب نقد، شماره ۴۶

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰)، *در جستجوی عرفان اسلامی*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی
امام خمینی (ره)

ملکیان، مصطفی (۱۳۸۳)، *نشان های انسان معنوی*، ویژه نامه روزنامه ایران، شماره ۲۹۶۲

ملکیان، مصطفی (۱۳۹۳)، *چرا برای حال زندگی نمی کنیم؟*، روزنامه اعتماد، شماره ۲۹۸۰

ملکیان، مصطفی (۱۳۸۵)، *سایت فرهنگی نیلوفر*

ملکیان، مصطفی (۱۳۸۰) *راهی به رهایی*، تهران، مؤسسه نگاه معاصر

مورتی، کریشنا (۱۳۷۶)، *زندگی پیش رو*، ترجمه پیمان آزاد صدای معاصر

هیگ، جان (۱۳۹۰)، *فلسفه دین*، ترجمه بهزاد سالکی، نشر بین المللی مهدی

Elkins, David N.(1999), *Spirituality: Its Whats in Mental Health*, in:
Psychology Today, No. 32(5)